

# فلسفه نماز

آية الله عبدالحلیم قاضی  
مدرس دارالعلوم زاهدان

دولتها و سازمان‌ها، در مقابل ثنوری‌های خود و دیگران سر تسلیم فرود آورده و همچنان در عصر نبوغ و کمالش در برابر مبتکران و نوایغ و شعراء و ادیبان و هنرمندان تسلیم و فروتن است... پس این انسان حریص و مهرپرور و فروتن و خاشع غریزی و فطری است.»<sup>(۱)</sup>

## آیا مظاهر بالا شایستگی‌گرنش دارند؟

مظاهر فوق هیچ یک شایستگی و صلاحیت تعظیم و عبادت را ندارند، چون نه جمال ذاتی دارند و نه کمال، نه قوت و توان دارند نه عزت بی‌زوال، نه سلطه مطلق دارند نه نفوذ امر تا خواسته‌هایشان را برآورده کرده و آنان را به مرادشان برسانند، بنابراین مظاهر مذکور فاقد این صلاحیت و شایستگی بوده و نمی‌توانند الگوی درستی باشند تا عبادت را به آنان اختصاص دهند.

## فقط الله جل جلاله نمونه اعلا است

ذاتی شایستگی و استحقاق عبادت و تعظیم را دارد که قوت و قدرت، علم و آگاهی، رحمت و لطف، کرم و جود، استجابت و قبول و قرب لامزید، صفات علیا و اسما حسنی و مراتب کمال و جلال و جمال از آن اوست؛ او فقط ذات یگانه

انسان، این موجود عاقل و اندیشمند در عین این که از لحاظ تعقل و اندیشه و فکر ممتاز از دیگر موجودات می‌باشد، حس تواضع و تسلیم در او وجود داشته و در مقابل برخی از اشیاء تسلیم می‌شود و به خضوع و کرنش می‌پردازد، و نسبت به آنان باور تقدس و الوهیت در خود می‌پروراند. و دیده می‌شود که برخی از انسانها در مقابل مظاهر طبیعت و پدیده‌های جهان و مجاوران مزارات و مشاهد و کاهنان، و احبار و زهاد و جن و ارواح فروتن و خاشع می‌شوند، و این واقعیتی غیر قابل انکار بوده، و اگر درصدد پیدا کردن مصداق واقعی آن باشیم، نگاهی به مشاهد و قبور بزرگان و زهاد و عارفان بیفکنیم که چگونه بعد از درگذشت آنان مردم گروه گروه به تقدیس آنان پرداخته و نسبت به آنان اعتقاد دارند که می‌توانند در امور جهان تصرف نمایند و مصدر خیر و نفع باشند، با وجود این که از یک سو ادعای تمدن و فرهنگ و اندیشه متعالی دارند، از سویی دیگر در عمل چنان گرفتار پستی و جهالت عقیدتی گردیده‌اند که به این مرحله از ضلالت سقوط کرده‌اند.

«همچنین این انسان هنوز علی رغم داشتن فرهنگ بالا و اندیشه مترقی، ادعاهای عریض و طویل، سرکشی و استکبار و انقلابهای بی‌پایانش در برابر حکام و سلاطین و رهبران احزاب و رؤسای

ذاتی  
شایستگی و  
استحقاق عبادت و  
تعظیم را دارد که  
قوت و قدرت، علم  
و آگاهی، رحمت و  
لطف، کرم و جود،  
استجابت و قبول و  
قرب لامزید،  
صفات علیا و اسما  
حسنی و مراتب  
کمال و جلال و  
جمال از آن اوست؛  
او فقط ذات یگانه  
الله ذوالجلال  
می‌باشد.

۱- الأركان الأربعة، ابو الحسن علی الندوی رحمته الله، ص: ۱۸،  
الدار الشامیة، بیروت.

«و لقد خلقنا الانسان و نعلم ما توسوس به نفسه و نحن اقرب اليه من حبل الوريد»<sup>(۶)</sup>؛ ما انسان را آفریده‌ایم و می‌دانیم که به خاطرش چه می‌گذرد و چه اندیشه‌ای در سر دارد، و ما از شاه‌رگ گردن به او نزدیک‌تریم.

### خداوند ذاتی است که ساکنان زمین و آسمانها در

#### برابر او سر به سجده و تسبیح خوان و فروتن‌اند

«الم تر ان الله يسجد له من في السموات و من في الارض و الشمس و القمر و النجوم و الجبال و الشجر و الدواب و كثير من الناس، و كثير حق عليه العذاب، و من يهن الله فما له من مكرم، ان الله يفعل ما يشاء»<sup>(۷)</sup>؛ آیا ندیده‌ای و ندانسته‌ای که تمام کسانی که در آسمانها بوده و همه کسانی که در زمین هستند، و خورشید و ماه و ستارگان و کوهها و درختان و جانوران و بسیاری از مردمان برای او سجده می‌برند (و به تسبیح و تقدیس او مشغول و سرگرمند) و بسیاری از مردمان هم (غافل بوده و برای خدا سجده نمی‌برند و) عذاب ایشان حتمی است (و مستحق عقابند، و اینها در نزد پروردگارش بی‌ارزش می‌باشند) و خدا هر که را بی‌ارزش کند هیچ کسی نمی‌تواند او را گرامی دارد (و مشمول عنایت و سعادت آسمانی کند. چرا که تنها) همانا خداوند است که هر چیزی را بخواهد انجام می‌دهد.

«تسبيح له السموات السبع و الارض و من فيهن و ان من شيء الا يسبح بحمده و لكن لا تفقهون تسبيحهم، انه كان حليماً غفوراً»<sup>(۸)</sup>؛ آسمانهای هفتگانه و زمین و کسانی که در آنها هستند همگی

الله ذوالجلال می‌باشد. امام ندوی رحمته الله می‌نویسد: «والله جل جلاله، هو المعطى كل جليل و قليل، و آتاكم من كل ما سألتموه، و ان تعدوا نعمة الله لا تحصوها»<sup>(۱)</sup>؛ و خداوند بخشنده اشياء فراوان و اندک است، «و داده است به شما هر چه که از او خواسته‌اید و اگر بخواهید نعمتهای خداوند را بشمارید (از بس که زیادند) نمی‌توانید آنها را شمارش کنید.»

و او آگاه به خواطر پوشیده و پنهان می‌باشد: «واعلموا ان الله يحول بين المرء و قلبه»<sup>(۲)</sup>؛ و بدانید که خداوند میان انسان و دل او جدایی می‌اندازد (و می‌تواند انسان را از رسیدن به خواستها و آرزوهای دل باز دارد و او را بمیراند).

«يعلم خائنة الاعين و ما تخفى الصدور»<sup>(۳)</sup>؛ خداوند از دزدانه نگاه کردن چشمها و از رازی که سینه‌ها در خود پنهان می‌دارند، آگاه است.

«و ان تجهر بالقول فانه يعلم السر و أخفى»<sup>(۴)</sup>؛ و اگر آشکارا سخن بگویی (یا پنهان برای خدا فرق نمی‌کند) همانا او تعالی نهانی (سخن گفتن تو با دیگران را) و نهان‌تر (از آن را که سخن گفتن تو با خودت و خواطر دل است) را می‌داند.

خداوند از هر نزدیک، نزدیک‌تر، و شنوا و مجیب‌الدعوات است.

«و اذا سألك عبادي عني فاني قريب، اجيب دعوة الداع اذا دعان، فليستجيبوا لي و ليؤمنوا بي لعلهم يرشدون»<sup>(۵)</sup>؛ و هنگامی که بندگانم از تو درباره من بپرسند «بگو: من نزدیکم و دعای دعاکننده را هنگامی که مرا بخواند پاسخ می‌گویم (و نیاز او را برآورده می‌سازم». پس آنان هم دعوت مرا (با عباداتی همچون نماز و روزه و زکات) بپذیرند و به من ایمان بیاورند تا آنان راه یابند (و با نور ایمان به مقصد برسند).

### خداوند

از هر نزدیک،

نزدیک‌تر، و شنوا و

مجیب‌الدعوات

است.

۱- ابراهیم: ۳۴ . ۲- انفال: ۲۴ .  
۳- مؤمن: ۱۹ . ۴- طه: ۷ .  
۵- بقره: ۱۸۶ . ۶- ق: ۱۶ .  
۷- حج: ۱۸ . ۸- اسراء: ۴۴ .



### چه نوع عبادتی در خور انسان است؟

خداوند حکیم و علیم بر اساس تقاضای حکمت و علم خویش، عبادتی در خور و شایسته که انسان بتواند آن را به راحتی انجام دهد و با آن به راز و نیاز و مناجات و اظهار عبدیت به درگاه ربوبیت پردازد و بر قامت او راست بیاید، برای انسان تعیین و فرض گردانیده است و تقاضای لطف و حکمت او تعالی نیز همین بود.

«کانت الصلاة المفروضة هي اللباس المفصل على قامته من غير طول و فضول، و من غير قصر و ضيق»<sup>(۲)</sup>؛ نماز فرض و مقرر شده، لباسی است برانده قامت انسان بدون طول و اضافه، و کوتاهی و تنگی.

«الا يعلم من خلق و هو اللطيف الخبير»<sup>(۳)</sup>؛ مگر کسی که (مردمان را) می آفریند (حال و وضع ایشان را) نمی داند و حال این که او دقیق و باریکبین بس آگاهی است. «انا كل شيء خلقه بقدر»<sup>(۴)</sup>؛ و ما هر چیزی را از روی حساب و نظام به اندازه لازم آفریده ایم.

بنابراین، نماز را در پنج وقت بر انسان فرض قرار داد تا او را با آن عبادت کنند.

### اثرات تخفیف نمازها از پنجاه به پنج

در شب معراج خداوند پنجاه نماز را بر امت مسلمان فرض گردانید، اما با تقاضای مکرر حضرت رسول اکرم ﷺ به پنج وقت نماز کاهش داده شدند، و این تخفیف پیامها و اثرات زیادی بر نمازگزار دارد، که تعدادی از آنها را علامه ندوی چنین بیان کرده است: ۱- انسان به این امر پی می برد

تسبیح خدا می گویند، بلکه هیچ موجودی نیست مگر اینکه (به زبان حال یا قال) حمد و ثنای وی می گویند، ولی شما تسبیح آنها را نمی فهمید (چرا که زبانشان را نمی دانید و از ساختار اسرار آمیز عالم هستی چندان مطلع نیستید. پس هماهنگ با سراسر جهان هستی به یکتاپرستی پردازید) بی گمان (خداوند) بس شکیبیا و بخشنده است (و در کیفر رساندن شتاب نمی ورزد و فرصت آشنایی با توحید و رها کردن شرک را به مردمان می دهد، و در برابر بیداری از خواب غفلتشان مغفرت خود را شاملشان می سازد).

### ضعف و ناتوانی انسان و شایستگی فروتنی

انسان سراسر ضعیف و عاجز، فقیر و نادار، حریص و شیفته مادیات، علاقمند به معنویات است. آرزوها و آمال و مطامع او پایان ناپذیر و بی نهایت است. اما با این حال غریزه محبت و مهر و فروتنی کردن و تواضع در او به ودیعت نهاده شده است. ذات اقدس الله جل و علا با داشتن کمال و جلال و صفات فوق باید عبادت شود، و انسان در عین ناتوانی و ضعف و نیاز و احتیاج باید عبادت و فروتنی نماید، بنابراین مظاهر طبیعت و موارد سابق به هیچ عنوان صلاحیت عبادت شدن را ندارند.

### عبادت چیست؟

امام ندوی رحمته الله علیه در این باره می نویسد: «عبادت مقتضای فطرت، نتیجه و ثمره غریزه، و ندای ضمیر و درون، وظیفه شرافت، و نیاز بشریت، و غذای روح و قلب»<sup>(۱)</sup> است. انسان با عبادت خود را مشرف و درون خود را تقویت کرده، و نیازهای خود را برآورده، و غریزه بندگی کردن را تسکین و آرامش می دهد.

### ✓ذات

اقدس الله جل و علا  
با داشتن کمال و  
جلال و صفات فوق  
باید عبادت شود، و  
انسان در عین  
ناتوانی و ضعف و  
نیاز و احتیاج باید  
عبادت و فروتنی  
نماید.

۱- الأركان الأربعة، ص: ۲۲.

۲- الأركان الأربعة، ص: ۲۳.

۳- قمر: ۴۹.

۴- ملک: ۱۴.

پس چنین بر می آید که نیاز انسان به ادای پنج وقت نماز، نیازی حتمی و یقینی است تا روح و روان خود را با آنها از رذایلی چون شرک، بدعت، نفاق، نافرمانی، معصیت، کفران نعمت و ناسپاسی، کذب در گفتار و عمل، واکسینه نماید. و برای نجات خویش از عذاب جهنم، و دخول به بهشت نعیم و سعادت به نماز مشغول شود و به راه شیطان نرود.

### نماز، تنها عبادت متواتر و مستمر

نماز از چنان اهمیت و ارزشی برخوردار است که حضرت رسول الله ﷺ در طول حیات طیبه خود، در اقامت و سفر، حتی در معرکه جنگ بر ادای آن پای بند بوده است. و نماز با چنان تواتر عملی از یک نسل به نسل دیگر منتقل شده که هیچ عبادتی در هیچ ملتی و در هیچ عصری از ادوار تاریخ مثل نماز از چنین استمرار و تواتری برخوردار نبوده و نیست. یک نسل امت آن را از نسل پیشین، و طبقه ای از طبقه سابق حتی بدون فاصله یک روز در شدیدترین و بحرانی ترین ساعات و مشقت بارترین محنتها و زمانها به ارث برده است، و این امتیاز و ویژگی بی است که فقط نماز از آن برخوردار است.

### فلسفه تکرار نماز در پنج وقت

از دلایل تکرار نماز می توان از تغذیه عالی و کامل نفوس با عبادت، آماده باش و تعهد لازم، اجتناب از غفلت از یاد الله، دوری از سلطه و چیرگی و غلبه مادیت بر قلب و روح و طرد شیطان به صورت مکرر در یک شبانه روز نام برد، تا تمام شبانه روز به عبادت صرف شود و بگذرد.

که او در واقع توان و شایستگی پنجاه نماز را دارد و گر نه هیچگاه مکلف به پنجاه نماز نمی شد؛ ۲- در او اعتماد به نفس پیدا می شود؛ ۳- برخورد می بالدد که خداوند او را اهل و شایسته این مطلب دانسته است؛ ۴- به لطف الله برخورد یقین می کند؛ ۵- بیشتر به ادای نماز تشویق می شود؛ ۶- درک می کند که علو همت و بلندپروازی در عبادت برای او نهفته است. (۱)

### مثال نمازهای پنجگانه،

#### مثال واکسن یا پنج وعده غذا

خداوند برای تطهیر انسانها از پلیدی گناهان و پیدا شدن صلاحیت ورود به بهشت، نماز را با داشتن طهارت فرض گردانید. مثال نمازهای پنجگانه آنطور که حضرت رسول الله ﷺ فرموده اند، این است: «أرأیت لو أن نهرأ بیاب احدکم یغتسل فیه کل یوم خمسأ هل ینقی من درنه شیء، قالوا لا ینقی من درنه شیء، قال: فذلک مثل صلوات الخمس یمحو الله بهن الخطایا» (۲)؛ آیا اگر نهر آبی در جلوی درب خانه یکی از شما باشد و روزانه پنج مرتبه در آن غسل نماید از چرک بدنش چیزی باقی می ماند؟ گفتند: نه باقی نمی ماند، فرمود: پس این مثال نمازهای پنجگانه است، خداوند بوسیله آنها خطاها را همین گونه از بین می برد.

۴- امام شاه ولی الله دهلوی و امام ابوالحسن ندوی رحمهما الله، از شریعت شناسان و آگاهان به فلسفه و اسرار احکام، در این باره نوشته اند:

«این نمازهای پنجگانه با اوقات و رکعات شان، وعده های روحی و واکسن هایی برای سلامتی اند، که خلاق عظیم و مبدع حکیم آنها را مقرر کرده است، و او تنها طبیب نفوس نیست، بلکه خالق دانا، و صانع حکیم نیز می باشد.» (۳)

این نمازهای پنجگانه با اوقات و رکعات شان، وعده های روحی و واکسن هایی برای سلامتی اند، که خلاق عظیم و مبدع حکیم آنها را مقرر کرده است، و او تنها طبیب نفوس نیست، بلکه خالق دانا، و صانع حکیم نیز می باشد.

۱- الارکان الاربعة، ص: ۲۳.

۲- رواه البخاری و مسلم عن ابی هریره.

۳- الارکان الاربعة، ص: ۲۵.



امام شاه ولی الله دهلوی رحمته می نویسد:

«و قد جربنا ان النائم على عزيمته قيام الليل لا يتغلغل في النوم البهيمى، و ان المتوزع خاطره على ارتفاع دنيوى، و على محافظة وقت صلاة أو ورد أن لا يفوته، لا يتجزد للبهيمة، و هذا سرّ قوله ﷺ: «من تعازّ (سهر) من الليل...»، و قوله تعالى: «رجال لا تلهيهم تجارة و لا بيع عن ذكر الله»<sup>(۱)</sup>؛ ما تجربه کرده ایم کسی که می خوابد و قصد نماز شب را دارد او در خواب حیوانی فرو نرفته و آن کسی که خاطرش از یک طرف به امور و منافع دنیوی مشغول و از سوی دیگر در انتظار وقت نماز است که از او فوت نگردد وجودش برای غلبه حیوانیت خالی نمی شود و این است راز قول رسول خدا ﷺ که فرمود: هر کسی به شب بیدار شد این دعا را بخواند: «لا اله الا الله وحده لا شريك له له الملك و له الحمد و هو على كل شيء قدير و سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر و لا حول و لا قوة الا بالله» سپس دعا کند اجابت می شود و اگر وضو بگیرد و نماز بخواند، نمازش مقبول می گردد. و نیز راز قول خداوند هم همین است که فرمود: «مردانی (هستند) که هیچ بازرگانی و معامله‌ای، آنان را از یاد خدا و خواندن نماز و دادن زکات غافل نمی سازد».

### جایگاه نماز در اسلام

آن گونه که حضرت رسول اکرم ﷺ فرموده‌اند: نماز ستون دین، امتیاز مسلمان از کافر، و شرط نجات و رستگاری، و نگاهبان ایمان و یقین است. در قرآن مجید هم آمده است: «قد افلح من تزكى، و ذکر اسم ربه فصلی»<sup>(۳)</sup>؛ به یقین رستگار می شود کسی که خویشتن را (از کثافت کفر و معاصی) پاکیزه دارد، و نام پروردگار خود را ببرد و نماز بگذارد. «ما سلککم فی سقر، قالوا لم نك من المصلين»<sup>(۴)</sup>؛

(از بزهکاران و گناهکاران پرسیده می شود) چه چیزی شما را به جهنم کشانید؟ می گویند: ما از نمازگزاران نبودیم.

### تکلیف نماز تا به کی!

نماز عبادتی است که محدودیت زمانی ندارد که از یک مرحله به بعد انسان از آن سبکدوش شود. ما فردی را در دنیا سراغ نداریم که فریضه نماز از او ساقط شود هر چند که در سرحد کمال و تقوا و مدارج عالی قرب باشد، خواه پیامبر مرسل باشد یا بنده صالح، یا مجاهد، یا عارف، چه رسد به دیگر افراد امت؛ در قرآن مجید آمده است: «واعهد ربک حتی یأتیک الیقین»<sup>(۵)</sup>؛ و عبادت کن پروردگارت را تا مرگ به سراغت بیاید.

نماز، سلامت ایمان و دین، سبب اتصال و ارتباط با خداوند، دستاویز ماندن در محیط و دایره اسلام و در مسلک مؤمنان در آمدن؛ و حلقه وصل بنده با خالق متعال و طریق عزت حاصل کردن است.

### نماز، آرامش روحی و سکون قلبی

انسان در زندگی روزمره خود بر اثر اشتغال به دنیا دچار وسوسه‌ها و پریشانیهای زیادی می شود که انسان را افسرده و گرفته می کنند. لذا نیاز دارد تا خود را از این پریشانیها و افسردگی‌ها برهاند و راحتی ببخشد؛ همانا بهترین راحتی به انسان در نماز دست می دهد و سکینه بر قلب نازل می شود. چون انسان با خدا ارتباط پیدا می کند و با او تعالی به مناجات می پردازد و کلام او را ورد زبان می کند و در قرآن مجید آمده: «الا بذكر الله تطمئن

✓ ما فردی را در دنیا سراغ نداریم که فریضه نماز از او ساقط شود هر چند که در سرحد کمال و تقوا و مدارج عالی قرب باشد، خواه پیامبر مرسل باشد یا بنده صالح، یا مجاهد، یا عارف، چه رسد به دیگر افراد امت.

۱- نور: ۳۷

۲- حجة الله البالغة ۱-۷۸، باب اسرار الأوقات .

۳- اعلی: ۱۴-۱۵ . ۴- مدثر: ۴۲-۴۳ .

۵- حجر: ۹۹ .



«تتجافی جنوبهم عن المضاجع يدعون ربهم خوفاً و طمعاً و مما رزقنهم يستقون»<sup>(۶)</sup>؛ پهلوهایشان از بسترها فاصله می‌گیرد (نمی‌خوابند) و پروردگار خود را با بیم و امید می‌خوانند. و از چیزهایی که به آنان داده‌ایم انفاق می‌کنند. آنچه که در آیه فوق از اعمال قلب به آن اشاره شده «خوف و امید قلبی» است.

### اثر تکبیر بر قلب و نفس

بهترین و جامع‌ترین کلمه‌ای که بزرگی، عظمت و قدرت الله جل جلاله در آن تبلور می‌یابد و قابل درک در هر عصر و زمان می‌باشد، بانگ «الله اکبر» است؛ که انسان با آن عظمت، جلال و کبریایی الله را بیاد می‌آورد، و دیگران را - هر که و هر چه باشند - فاقد آن عظمت والا می‌داند.

به نمونه‌ای از مظاهر این عظمت بنگریم:

در یکی از اعیاد عزالدین بن عبدالسلام به دربار سلطان ایوب، شاه مصر، می‌رود. وقتی به آنجا می‌رسد می‌بیند مردم و درباریان و نظامیان در برابر سلطان به کرنش درآمده و مات و مبهوت‌شان و شوکت سلطان شده‌اند. اما او با صدای بلند به سلطان خطاب کرده می‌گوید: ای ایوب! روز قیامت در پیشگاه خداوند چه جوابی خواهی داشت که در مملکت تو شراب به فروش می‌رسد؟ سلطان می‌گوید: آیا چنین چیزی هست؟ او می‌گوید: آری در فلان محله در کنار نهر، فلان دکان. سلطان در جواب می‌گوید: این که از زمان پدرم وجود داشته است.

عزالدین می‌گوید: آیا مگر تو از آن دسته افرادی

القلوب»<sup>(۱)</sup>؛ بدان که، با ذکر و یاد الله قلبها مطمئن می‌شوند. و رسول الله ﷺ فرموده است: «جعلت قره عینی فی الصلوة»<sup>(۲)</sup>؛ خنکی چشمانم در نماز قرار داده شده است.

در جایی دیگر به بلال<sup>(۳)</sup> می‌گوید: ای بلال، نماز را اقامه کن، و ما را با آن راحت بده.<sup>(۳)</sup>

### نماز پناهگاه مؤمنان

چنان که گفته شد، نماز غذای روح، مرهم زخمها و داروی نفوس، و مدد و فریادرس بیچارگان، امان خائفان، و حبل ممتد پیوند بنده با پروردگار، و سلاح گوشه‌نشینان خلوت راز است.

«یا ایها الذین آمنوا استعینوا بالصبر و الصلوة، ان الله مع الصابرين»<sup>(۴)</sup>؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، کمک بخواهید با صبر و نماز، همانا خداوند با صابران است.

«کان رسول الله ﷺ اذا حزبه أمر صلی»<sup>(۵)</sup>؛ حضرت رسول الله ﷺ وقتی امر مهمی برایش پیش می‌آمد، نماز می‌خواند.

### نقش جسم، عقل و قلب در نماز

نماز با سکون و آرامشی که دارد بیانگر این است که نماز حرکات ورزشی خشک و مرتبی که فاقد روح و حیات باشد، یا اینکه نظام ارتشی که فاقد اراده و اختیار باشد، نیست و نمی‌تواند باشد؛ بلکه نماز آنچنان که امام ندوی<sup>(۶)</sup> بیان داشته‌اند: فریضه‌ای جامع و کامل است که جسم، عقل و قلب در آن شرکت دارند. نقش جسم، قیام، رکوع و سجده و راست ایستادن و انحناء؛ نقش زبان، تلاوت و تسبیح؛ نقش عقل، تفکر و تدبر، فهم دقیق و تفقه؛ و نقش قلب خشیت و رقت و لذت بردن است.

### نماز

با سکون و آرامشی که دارد بیانگر این است که نماز حرکات ورزشی خشک و مرتبی که فاقد روح و حیات باشد، یا اینکه نظام ارتشی که فاقد اراده و اختیار باشد،

۱- رعد: ۲۸ . ۲- نسائی

۳- ابوداود، کتاب الأدب، باب فی صلاة العتمة .

۴- بقره: ۱۵۳ . ۵- ابوداود .

۶- سجده: ۱۶ .



هستی که می‌گویند: «انا وجدنا آباءنا على امة و انا على آثارهم مهتدون»<sup>(۱)</sup>؛ ما پدران و نیاکان خود را بر آئینی یافته‌ایم و ما نیز بر پی آنان می‌رویم.

سلطان زود متوجه شده، دستور داد تا این دکان را تعطیل کنند. وقتی از دربار سلطان خارج می‌شود، شاگردش از وی می‌پرسد، چه خبر شد؟ او می‌گوید: ای فرزند، او را در این حال پر زرق و برق دیدم، با خود گفتم: مبادا، در دل او تکبر پیدا شود و نفس او را گمراه کند. سپس پرسید: آقا شما از او نترسیدی؟ عزالدین گفت: «والله یا بنی استحضرت هیبة الله فصار السلطان قدّامی کالقطف»<sup>(۲)</sup>؛ قسم بخدا ای فرزند! هیبت و شکوه الله را در قلب خود حاضر گردانیدم، آنگاه سلطان پیش من مثل گربه‌ای حقیر ظاهر شد.

### سجود نزدیک‌ترین حالت بنده به الله تعالی

نماز ارکان زیادی دارد و نسبت قرب به خداوند در هر رکن با رکن دیگر متفاوت است، ولی نزدیک‌ترین و عالی‌ترین مرتبه قرب حالت سجده است، چنانکه در حدیث صحیح آمده است: «اقرب ما یکون العبد من ربه و هو ساجد، فاکثروا الدعاء»<sup>(۳)</sup>؛ نزدیک‌ترین حالتی که بنده با خداوند دارد زمانی است که او در سجده است، پس در این حالت / زیاد دعا بکنید.

با سجود بنده نهایت مرتبه بندگی خویش را ثابت می‌کند و بدیهی است که عالی‌ترین مراتب قرب می‌باشد، و در اینجا باید بنده فرصت را غنیمت شمرده و به تسبیح و تقدیس ذات ربوبیت مشغول شود و دلش برای خود و آخرتش بسوزد و از خداوند خواسته‌های خود را بطلبد و از مضار و آفات، به او تعالی پناه ببرد و به قول امام ندوی رحمته الله ترکیب قلب و جعبه دعا و عبودیت را بطور کامل

خالی بکند و با زبان قال و حال از خداوند بخواهد. و آنگونه پروردگار را بخواند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌خواند: «اللهم اسألک مسألة المسکین، و أبتهل الیک ابتهال المذنب الذلیل، و ادعوک دعاء الخائف الضریر، و دعاء من خضعت لک رقبتہ، و فاضت لک عسیرتہ، و ذل لک جسمہ و رغم لک انفہ»<sup>(۴)</sup>؛ پروردگارا! از تو همچون یک انسان مسکین و بی‌کس درخواست می‌کنم و بی‌قراری‌ام به نزد تو، همچون بی‌قراری بنده گناهکار ذلیل است. و همانند شخص بیمناک و مصیبت دیده تو را دعا می‌کنم، دعای کسی که در بارگاه تو گردن نهاده و اشکهایش جاری است و جسمش تابع تو است و جبینش را به پیشگاه تو سائیده است.

چنان غم و فکر امت حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله را فرا گرفته بود که درون سینه‌اش چون دیگ از شدت گریه می‌جوشید؛ چنانکه در روایت آمده است «و لجوفه ازیز کازیز المرجل من البکاء»<sup>(۵)</sup>؛ درون سینه‌اش آوازی چون آواز جوشش دیگ بر اثر گریه داشت.

امام ندوی رحمته الله در مورد فضیلت و اثر این‌گونه سجده‌ها می‌نویسد:

«و هذه هي السجدة التي ترتعش لها الجبال الراسيات، و تهتز بها الارض و يرتعد لها الجبابرة الطغاة، و لها في تاريخ الامة، و مغامراتها و محنها، شؤن و اخبار غريبة»<sup>(۶)</sup>؛ این همان سجده‌ای است که از قدرت آن کوه‌های محکم و ثابت و زمین به لرزه و تکان در می‌آید، و جباران سرکش از آن هراسان می‌شوند. این سجده در تاریخ امت و

نماز  
ارکان زیادی دارد و  
نسبت قرب به  
خداوند در هر رکن  
با رکن دیگر  
متفاوت است، ولی  
نزدیک‌ترین و  
عالی‌ترین مرتبه  
قرب حالت سجده  
است.

۱- زخرف: ۲۳-۲۲.

۲- طبقات الشافعية الكبرى: ۸۶/۵.

۳- ابوداود و النسائی . ۴- کنز العمال عن ابن عباس .

۵- ابوداود و الترمذی عن عبدالله .

۶- الارکان الاربعة، ص: ۴۲.





قهرمانی‌ها و امتحانات آن، جایگاه و اخبار شگفت‌انگیز و جالبی دارد.

## مصدر این خیر کیست؟

نمازی که در سراسر دنیا با جماعت‌های متعدد و زیاد در مساجد در اقصی نقاط دنیا در تمام لحظات شبانه روز با اهتمام و توجه و عنایت خاصی خوانده می‌شود و هیچ نوع سستی و فتوری در ادای آن روی نمی‌دهد؛ حتی در شدیدترین حالات از خوشی و ناخوشی، جنگ و خوف ترک نمی‌شود؛ همه و همه از توفیقات رب العالمین و دستاوردهای دعوت و جهاد و تلاش‌های شبانه‌روزی و بی‌وقفه حضرت رسول اکرم ﷺ می‌باشد و ایشان مصدر این خیر و فلاح ما بوده و هست.

پس وظیفه ما در قبال آن حضرت علیه السلام چیست؟

شایسته است وقتی نمازگزار بعد از فراغت از حمد و ستایش باری تعالی در نماز، نماز را با دعا و درود و ایصال رحمت و برکت بر حضرت رسول اکرم ﷺ پایان بدهد. چنانکه الله رب العزت بر آن حضرت علیه السلام درود و رحمت فرستاده و ما را نیز به آن دستور داده است: «ان الله و ملائکته یصلون علی النبی یا ایها الذین آمنوا صلوا علیه و سلموا تسلیماً»<sup>(۱)</sup>؛ همانا خداوند و فرشتگانش بر پیغمبر درود می‌فرستند، ای مؤمنان! شما هم بر او درود بفرستید و چنانکه باید سلام بگوئید.

یکی از پیامهای حیاتی درود بر رسول اکرم ﷺ بازداشتن انسان از شرک و آلودگیهای آن است. چون انسان پی خواهد برد که هر کس هر چند در مقام قرب و تقوا باشد باز هم مستغنی از رحمت و ثواب و کرامت و لطف خداوند نخواهد بود، چنان که رسول خدا ﷺ مستغنی از رحمت نیست. و به

حقیقت خود پی می‌برد و راه تمرد و تکبر و عناد و مبارزه با خداوند عزوجل را نخواهد پیمود، و به دنبال آن باید به دعا برای خود و مؤمنان و تقاضای بهشت و مغفرت از گناهان و پناه از دوزخ و عذاب قبر و فتنه‌های دوران حیات و ممات و فتنه دجال و توبه از گناهان مشغول شود و بداند که تنها ملجأ و مأوایی که او را از حوادث دنیا و آخرت نجات می‌بخشد، ذات پاک الله عزوجل است. و عقیده توحید را در عمل تحکیم ببخشد، و خود را در سلک اعضای حزب الله حقیقی درآورد: «اولئک حزب الله، الا ان حزب الله هم المفلحون»<sup>(۲)</sup>؛ اینان حزب یزدان‌اند، هان! حزب یزدان قطعاً پیروز و رستگار است.

## منافات نماز حقیقی با عبادت غیر الله

نمازی که با خشوع و اخلاص و با آداب و روح و حقیقت بوده و در وقت خودش خوانده شود، هیچ گاه چنین نمازی با عبادت غیر الله، و مظاهر آن از قبیل شرک، بت پرستی و خرافات؛ ترس از سلاطین دنیا و امراء، صاحبان زر و زور، و تملق و همگامی و موافقت با آنان در جور و طغیانشان سازگار نیست؛ چون آنان چه در عصر پادشاهی و استبداد پیشین و چه عصر آزادی و دمکراسی حاضر، کارشان تهاجم علیه عقیده و وجدانهای پاک بوده و هست؛ - «فجميع ارکان الصلوة و جميع ما یقره المصلی فیها، و یقطعہ علی نفسه و یعلنه ینافی ذلک اشد المنافاة و یعارضه اشد المعارضة، و هو یعارض الکلمة التي یفتح بها صلاته و هو قوله «الله اکبر»<sup>(۳)</sup>؛- تمام ارکان نماز و تمام آنچه که نمازگزار در نماز می‌گوید، و بر آن جزم می‌نماید و ابراز

✓ یکی از پیامهای حیاتی درود بر رسول اکرم ﷺ بازداشتن انسان از شرک و آلودگیهای آن است. چون انسان پی خواهد برد که هر کس هر چند در مقام قرب و تقوا باشد باز هم مستغنی از رحمت و ثواب و کرامت و لطف خداوند نخواهد بود.

۱- احزاب: ۵۶. ۲- مجادلة: ۲۲.

۳- الارکان الأربعة.



می دارد به شدت با تسلیم در مقابل غیر الله منافات و تعارض دارد؛ بلکه عبادت غیر الله با کلمه افتتاحیه نماز در تعارض است، و آن کلمه سخن اول نماز گزار «الله اکبر» است.

### تأثیر اخلاقی نماز

نماز تأثیرات زیادی بر دوری انسان از اخلاق رذیله، فحشاء و منکرات کفر، فسق و عصیان و امور ناپسندیده دارد. ایمان را در دل تقویت کرده و محبوب می سازد «اتل ما اوحی الیک من الکتب و اقم الصلوة، ان الصلوة تنهی عن الفحشاء و المنکر و لذكر الله اکبر، و الله يعلم ما تصنعون»<sup>(۱)</sup>؛ بخوان آنچه را که از کتاب به تو وحی شده است، و نماز را چنانکه باید بر پای دار، بطور مسلم نماز از گناهان بزرگ و از کارهای ناپسند باز می دارد و قطعاً ذکر الله والاتر و بزرگتر است، و خداوند می داند که شما چه کارهایی انجام می دهید.

### تفاوت مراتب نماز گزاران

نماز سفره‌ای عام است که هر کسی به اندازه شایستگی و صلاحیت و تفاوت مراتب اخلاص آن را انجام می دهد. اینطور نیست که نماز هر شخصی با نماز دیگر نماز گزاران مرتبه اش برابر باشد؛ بلکه کیفیت نماز عالم و جاهل، مخلص و ریاکار، و شخص متفقه و مستحضر و شخص غافل، و انسان عارف و غیر عارف هر کدام با دیگری متفاوت است. به همین مطلب قرآن مجید اشاره دارد: «فویل للمصلین، الذین هم عن صلاتهم ساهون، الذین هم یرآؤن و یمنعون الماعون»<sup>(۲)</sup>؛ وای به حال نماز گزاران، همان کسانی که نماز خود را به دست فراموشی می سپارند، همان کسانی که ریا و خودنمایی می کنند، و از دادن وسایل کمکی ناچیز

### نماز

تأثیرات زیادی بر دوری انسان از اخلاق رذیله، فحشاء و منکرات کفر، فسق و عصیان و امور ناپسندیده دارد.

خودداری می کنند.

«قد افلح المؤمنون، الذین هم فی صلاتهم خاشعون»<sup>(۳)</sup>؛ مسلماً مؤمنان پیروز و رستگارانند کسانی اند که آنان در نمازشان خشوع دارند.

امام ندوی رحمته الله اندیشمند و شریعت شناس بزرگ عصر حاضر، در مورد این فرق مراتب می نویسد: نماز رسول الله صلی الله علیه و آله افضل و کامل تر و عالی تر و مقبول تر و سنگین وزن تر در ترازوی اعمال در روز قیامت از نماز هر کس است، و همانا نماز ابوبکر رضی الله عنه از همه به نماز رسول الله صلی الله علیه و آله نزدیک تر و شبیه تر بود، و بنابر همین ویژگی که در ابوبکر بود حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله او را انتخاب کرد تا در مقام جانشینی او قرار گیرد و در مرض وفات آنحضرت صلی الله علیه و آله امامت نماز مردمان را بکند؛ با وجود این که حضرت عائشه پیشنهاد امامت حضرت عمر را داد، آنحضرت علیه السلام با تأکید و تکرار فرمود: «امر کنید به ابوبکر که مردم را نماز بدهد»<sup>(۴)</sup> و چنین هم شد.<sup>(۵)</sup>

### نماز میراث پر ارج نبوت

میراث بزرگ و جاویدان نبوت، نماز است که صحابه رضی الله عنهم از آن حضرت علیه السلام و تابعین از صحابه و تبع تابعین از تابعین و ائمه بزرگوار و محدثان، و مجتهدان و مجاهدان و مبلغان از یک دیگر آن را به صورت عملی و ممتاز به ارث برده اند؛ و با اهتمام و عنایت خاصی به تفصیل احکام و فرایض و واجبات و سنن و مستحبات و مکروهات و جایز و ناجایز آن پرداخته اند. پس بر ما لازم است که بر روح و حقیقت و خشوع و حرارت

۱- عنکبوت: ۴۵. ۲- ماعون ۷-۴.  
۳- مؤمنون: ۲-۱. ۴- البخاری.  
۵- الارکان الاربعه، ص: ۸۱.

الشیء لا يعطيه»؛ کسی که خود از چیزی تهی دامن باشد، نمی تواند از آن به دیگران بخشش کند. نماز تنها امتیاز تمام عیار صدر اسلام و بعد از آن بوده است، و امت اسلام با آن توانسته در مقابل دشمن و در بحرانها و مشکلات زندگی بایستد. امام مالک، امام دارالهیجرة رضی الله عنه فرموده است: «لن يصلح آخر هذه الامة، الا ما اصلح اولها»؛ نسل آخر این امت را چیزی اصلاح نمی کند مگر آنچه که نسل اول این امت را اصلاح گردانیده است. «قد افلح المؤمنون الذین هم فی صلاتهم خاشعون»<sup>(۳)</sup>؛ مسلماً مؤمنان پیروز و رستگارند، کسانی که آنان در نمازشان خشوع دارند.

پس وقتی که فلاح و رستگاری به قطع و یقین در نماز است، بر ما لازم است تا در مورد نماز به خانواده و فرزندان، افراد جامعه، زن و مرد و کوچک و بزرگ، شهری و روستایی، فرهنگی و دانشگاهی، بازاری و غیره توصیه های لازم را نموده و آنان را به نماز رهنمون کنیم تا این میراث پر ارج نبوت همچنان مستدام، ادامه یابد. ان شاء الله، لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم.

\*\*\*\*\*

و جاذبه های آن عامل باشیم، و آن را به ارث ببریم و مصداق عملی این حدیث را در خود پیدا بکنیم: «أن تعبد الله كأنك تراه، فان لم تکن تراه فانه یراک»<sup>(۱)</sup>؛ خداوند را چنان عبادت کن که گویا او را می بینی، و اگر تو او را نمی بینی او یقیناً تو را می بیند.

«رأیت رسول الله صلی و فی صدره ازیز کازیز الرحی من الیکاء»<sup>(۲)</sup>؛ رسول الله صلی و فی صدره ازیز کازیز الرحی من الیکاء را دیدم که نماز می خواند و در سینه اش صدایی چون صدای آسیاب بر اثر گریه داشت.

### وظیفه مصلحان جامعه، و نهضت های

### دینی و اولیای آموزشی و پرورشی

نماز مهم ترین عبادتی است که شعله و نور ایمان و محبت و مهر را در قلوب انسانها زنده نگه می دارد، و هیچ چیزی را نمی توان یافت که بدیل و جایگزین آن شود. لذا هر چند که اوضاع و احوال دست خوش تغییر و تبدیل و آشفتگی و نابسامانی بشود و مادیت عرصه را بر معنویت تنگ بکند، نباید مصلحان جامعه و مسئولان تربیتی نسبت به نماز بی تفاوت باشند، چون تنها چیزی که به انسان اطمینان و آرامش و اعتماد می بخشد، و به جنگ با مادیت بر می خیزد، نماز است.

بنابراین نویسندگان، مسئولان و مربیان و یا مصلحان جامعه اگر فاقد اهتمام و توجه و عنایت به نماز در زندگی خود باشند، یا در مورد نماز زبردستان و افراد تحت سرپرستی و مسئولیت شان کوتاهی بورزند، کار آنان عبث و عاری از خیر و امید است. باید مصلحان و رهبران و مسئولان تربیتی و آموزشی در پنج وقت و در دل شب در نماز از خداوند بخواهند و خود را سرشار از معنویت کرده تا بتوانند به دیگران خیری برسانند، زیرا «فاقد

نماز  
تنها امتیاز تمام  
عیار صدر اسلام و  
بعد از آن بوده  
است، و امت اسلام  
با آن توانسته در  
مقابل دشمن و در  
بحرانها و مشکلات  
زندگی بایستد.